«یجیء من اختلاف الرواة» ناظر بہ اختلاف قبیح نہ اختلاف قرائات حسن

> (ثالثا) و وہ العمدة ان الوارد في أخبارنا يدفع ما ذكروہ فروی ثقة الإسلام في الكافي عن زرارة عن أبي جعفر (علیہ السلام) قال: «ان القرآن واحد نزل من عند الواحد و لكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة».و روی فيہ أيضا في الصحيح عن الفضيل بن يسار قال: «قلت لأبي عبد اللّٰہ (علیہ السلام) ان الناس يقولون نزل القرآن علی سبعة أحرف؟ فقال كذبوا أعداء اللّٰہ و لكنہ نزل علی حرف واحد من عند الواحد».قال المحدث الكاشاني في كتاب الصافي بعد نقل الخبرين المذكورين: و المقصود منہما واحد و ہو ان القراءة الصحيحة واحدة إلا انہ (علیہ السلام) لما علم انہم فہموا من الحديث الذي رووہ صحة القراءات جميعا مع اختلافہا كذبہم. انتہی.[1]

اشکال سوم کہ اشکلی عمدہ بہ حرف اصحاب است کہ بر تواتر اجماع نقل کردہاند، این است: **«ان الوارد في أخبارنا يدفع ما ذكروہ**«؛ اجماع بر تواتر قرائات الی رسول اللہ صلیاللہعلیہوآلہ را روایات دفع میکند.

«فروی ثقة الإسلام في الكافي عن زرارة عن أبي جعفر (علیہ السلام) قال: «ان القرآن واحد نزل من عند الواحد و لكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة»؛ ما از این روایت بحث کردیم. در یک کلمہ عرض کنم؛ این روایت اختلاف را مذمت میکند. و حال آنکہ قرائاتی کہ علماء این ہمہ سراغش میروند، شیخ الطائفہ و مرحوم طبرسی در تفسیرشان منعقش کردہاند. گفتہ اند اختلاف سہ جور است. اختلاف تناقض، تفاوت و اختلاف در تلاوت؛ و وہ ما تلائم فی الحسن، کلہ حق و کلہ صواب. علماء بزرگی کہ این اجماع را نقل کردہاند تصریح کردہاند کہ اختلاف التلاوہ، اختلاف حُسن است. اما این روایت اختلاف را اختلاف قبح میگوید. معلوم میشود این روایت با آن چہ کہ علماء از تلاوت حسن میدانند، دو باب است. یعنی این حرف شما در آنہا نمیشود. خود مجمعین میگویند آن چہ کہ ما بر آن اجماع کردہایم حسن است. روایاتی کہ شما میآورید، میگوید کہ آن کار قبیح است. خب باید ببینیم در چہ فضای است. اگر آنہا میگویند حسن است، اگر میگویند قبیح است، ناظر بہ دو مورد میشود کہ بحث آن را قبلاً عرض کردہ بودم. صفحہ بلند بالایی ہم در فدکیہ ہست.

«و روی فيہ أيضا في الصحيح عن الفضيل بن يسار قال: «قلت لأبي عبد اللّٰہ (علیہ السلام) ان الناس يقولون نزل القرآن علی سبعة أحرف؟ فقال كذبوا أعداء اللّٰہ و لكنہ نزل علی حرف واحد من عند الواحد»؛ این ہم ہمانی است کہ عرض کردم. روشنتریش

دلیل برای مقصود از «کذبوا اعداء الله» فتوای ابوحنیفه به این است که می‌توانید اختیارا نماز را به فارسی بخوانید. چرا؟ به‌خاطر اینکه در روایت آمده «نزل القرآن علی سبعه احرف». خب وقتی سبعه احرف را به این معنا می‌گیرد که شما می‌توانید فارسی بخوانید، مرادف بخوانید، و در کل مقصود قرآن باشد، حضرت هم می‌فرمایند «کذبوا اعداء الله». شاهد روشن است که مراد آن است. لذا حضرت دنبال آن آوردند. و الّا کافی بود که بفرمایند «ولکنه نزل علی حرف واحد». چرا فرمودند «من عند الواحد»؟ یعنی می‌خواهند بگویند ابوحنیفه که این فتوا را می‌دهد، سبعه احرف را به این صورت معنا می‌کند، نزل من عنده است.

«قال المحدث الكاشاني في كتاب الصافي بعد نقل الخبرين المذكورين: و المقصود منهما واحد و هو ان القراءة الصحيحة واحدة»؛ قرائت صحیحه یکی است. مقدمه صافی را مفصل خواندیم. مختار خودشان را هم گفتند. گفتند بهترین قرائت را چه می‌دانم؟ آن آقا که در جلسه بود، فرمودند واقعاً دارید از روی صافی می‌خوانید؟! همینطور هم هست. اگر شما فرمایش مرحوم فیض را در اینکه می‌گویند بهترین قرائت کدام است، ببینید، تعجب می‌کنید که آیا واقعا عبارت فیض را می‌خوانید!

> أقول: لعل كلامه (عليه السلام) في آخر الحديث انما وقع على سبيل التنزل الرعاية لربيعة الرأي حيث انه معتمد العامة في وقته تالفيا لما قاله في حق ابن مسعود و تضليله له مع انه عندهم بالمنزلة العليا سيما في القراءة و إلا فإنهم (عليهم السلام) لا يتبعون أحدا و انما هو متبوعون لا تابعون[2]

«أقول: لعل كلامه (عليه السلام) في آخر الحديث انما وقع على سبيل التنزل»؛ اینکه حضرت فرمودند «ولکن نحن نقرأ»، از این باب بوده که آنها ناراحت نشوند. حضرت به ابن مسعود تند شدند و بعد دنباله اش تقیه کردند.

> ثم اعلم ان العامة قد رووا في أخبارهم ان القرآن قد نزل على سبعة أحرف كلها شاف واف و ادعوا تواتر ذلك عنه (صلى اللّه عليه و آله) و اختلفوا في معناه إلى ما يبلغ أربعين قولا أشهرها الحمل على القراءات السبع.
>
> و قد روى الصدوق (قدس سره) في كتاب الخصال بإسناده إليهم (عليهم السلام) قال: «قال رسول اللّه (صلى اللّه عليه و آله) أتاني آت من اللّه عز و جل يقول ان اللّه يأمرك أن تقرأ القرآن على حرف واحد فقلت اي رب وسع على أمتي فقال ان اللّه يأمرك أن تقرأ القرآن على سبعة أحرف».
>
> و في هذا الحديث ما يوافق خبر العامة المذكور مع انه (عليه السلام) قد نفى ذلك في الأحاديث المتقدمة و كذبهم في ما زعموه من التعدد، فهذا الخبر بظاهره منافٍ لما دلت عليه تلك الأخبار و الحمل على التقية أقرب قريب فيه [3]

---

[1]الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج۸، ص: ۹۸

[2]همان

[3]همان

بازبینی #2
ایجاد شده 1 مه 2024 14:31:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 07:05:54 توسط ... .